

عیسی در پاسخ فریسیان که پرسیده بودند پادشاهی خدا کی خواهد آمد، گفت: «آمدن پادشاهی خدا را نمی‌توان با مشاهده دریافت، 21 و کسی نخواهد گفت اینجا یا آنجاست، زیرا پادشاهی خدا در میان شماست.» 22 سپس به شاگردان گفت:

«زمانی می‌آید که آرزو خواهید کرد یکی از روزهای پسر انسان را ببینید، اما نخواهید دید. 23 مردم به شما خواهند گفت: "او اینجا است،" یا "او آنجاست." اما در پی آنها مروید 24. زیرا همچنانکه صاعقه در یک آن می‌درخشد و آسمان را از کران تا کران روشن می‌کند، پسر انسان نیز در روز خود چنین خواهد بود 25. اما نخست می‌باید رنج بسیار کشد و از سوی این نسل طرد شود 26. روزهای پسر انسان همچون روزهای نوح خواهد بود 27. مردم می‌خورندند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند تا آن روز که نوح به کشتی درآمد. آنگاه سیل برخاست و همه را هلاک کرد 28. در زمان لوط نیز چنین بود. مردم سرگرم خوردن و نوشیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت بودند 29. اما روزی که لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و



همه را هلاک کرد 30. روز ظهور پسر انسان نیز به همین‌گونه خواهد بود.

دیکتاتورهای مختلف بارها و بارها از امید به پادشاه بهشت سوء استفاده می‌کنند تا مردمی را که تحت سرکوب هستند آرام کنند. برای مثال، آنها وعده می‌دهند: «اکنون باید برای ما و برای هدف ما رنج بکشید. اما نگران نباشید در بهشت به شما پادشاه داده خواهد شد.» و این‌گونه بود که مردم به جنگ فرستاده شدند. گاهی حتی کودکان را به میدان‌های مین می‌فرستادند تا زندگیشان را قربانی کنند. کودکان قبل از روانه شدن به سمت مرگ قطعاً کلید بهشت را دریافت کرده‌اند و به آنها قول داده شده که در بهشت از طریق این کلید باز می‌شود. ... و متأسفانه این داستان تا امروز ادامه دارد. سوء استفاده وحشتناکی از خداوند و از وعده بهشت هنوز وجود دارد. جالب اینجاست که این سوال مردم اطراف عیسی را هم مشغول کرده بود. آنها نیز بایستی رنج زیادی را متحمل می‌شدند و پادشاه بهشت آنها را هم آرام می‌کرد. به همین ترتیب، قوم یهود آن زمان نیز مشتاقانه منتظر خداوند بودند تا ظالمان را مجازات کند و عادلان را پادشاه دهد. در واقع، می‌توان گفت که شاید همین فکر سرگرمی روزانه فریسیان بود. آنها حتی تایید می‌کردند چه کسانی سزاوار مجازات خدا خواهند بود و چه کسانی نه. و به همین دلیل بود که آنها می‌خواستند بدانند عیسی در مورد آن چه نظری داشت. و پاسخ عیسی به این سوال بسیار جالب بود. عیسی به خوبی می‌دانست که امید به زندگی ابدی می‌تواند به طرز وحشتناک مورد سوء استفاده قرار گیرد. عیسی همچنین دریافت که فریسیان کرسی داورى خدا را ربوده بودند و کسانی را که طبق عقیده آنها مستحق مجازات خدا بودند، قضاوت می‌کردند. آنها همچنین با اشتیاق به دنبال نشانه‌هایی در بهشت و سایر پدیده‌ها بودند تا ثابت کنند چه زمانی روز آخر خواهد آمد. عیسی تمام این محاسبات را زیر سوال برد. او همچنین محاسبات تمام افرادی را که هنوز هم می‌خواهند با ماشین‌حساب‌های جیبی روز قیامت را تشخیص دهند را پاک کرد. نه، نمی‌توان ملکوت خدا را اینطور درک کرد! و بنابراین او حتی در آن زمان پیشگویی کرد که مردم بارها و بارها اعلام خواهند کرد: «پادشاهی خدا اینجا است! یا پادشاهی خدا در آنجاست!» اما همین مردم پیامبران دروغین هستند. و عیسی فوراً به ما هشدار می‌دهد. «در پی آنها مروید!» در عوض، پادشاهی خدا به طور غیر منتظره خواهد آمد. در نقطه و روزی که اصلاً انتظارش را ندارید. یعنی در میان شما! عیسی از طریق این آموزه در مورد پادشاهی خدا، خیالات پیامبران دروغین را جایگزین کرد. مردم می‌خواستند موضوع پادشاهی خدا را به نفع خودشان سوء استفاده کنند تا قدرت بیشتر داشته باشند یا دیگران را قضاوت کنند. آنها می‌خواستند آن را برای قضاوت یا دستکاری دیگران استفاده کنند. عیسی بر ضد آن تایید کرد: پادشاهی خدا در میان شماست! به عبارت دیگر، ملکوت خدا دیگران را خطاب نمی‌کند، بلکه تو را سراغ می‌گیرد. خودت باید با خدا حساب کنی! و باید این سوال را بررسی کنی که آیا برای ملکوت خدا آماده هستی؟ آیا زندگی ما با ملکوت خدا هماهنگ است؟ و سپس عیسی چندین مثال زد و تعریف کرد چگونه ما خدا را در زندگی شخصی نادیده می‌گیریم: مردم می‌خورند و می‌نوشند، از نواج می‌کنند و تجارت می‌کنند. آنها هر کاری را مانند زمان نوح انجام می‌دهند گویی خدا وجود ندارد. طوری زندگی می‌کنند گویی هرگز تعمیم نیافته‌اند. آنها از خلقت شگفت‌انگیز خدا لذت می‌برند، اما خالق آن را نادیده می‌گیرند. آنها نسبت به نشانه‌هایی که خداوند می‌فرستد کور هستند. در عوض، آنها به دنبال هر پیامبر دروغین می‌دوند. و این دقیقاً همان کاری است که مردم در زمان ما انجام می‌دهند. آیا کسی این واقعیت را که عیسی دوباره می‌آید قبول می‌کند؟ ما انسان‌ها گرفتار هستیم و نمی‌توانیم با چنین چیزهایی کنار بیاییم: مردم به جای پیروی از عیسی، آموزه‌های مختلف دیگری را دنبال می‌کنند: افراد زیادی در یوتیوب هستند که درباره آینده پیش بینی می‌کنند. برخی می‌گویند دقیقاً چه زمانی برق قطع خواهد شد. بقیه

می گویند چه وقتی غذای فروشگاه ها تمام خواهد شد. یا کی بمب هسته‌ای روی سرمان خواهد افتاد. و خیلی بیشتر. این افراد می خواهند ما را بترسانند. به هر دلیلی. و بسیاری از مردم هستند که بابت همان ترس ژنراتور را می خرند، یا چلیقه های ضد هسته ای را می گیرند و و ... عیسی به ما می گوید که باید مراقب باشیم. همه را دنبال نکنیم در عوض، تنها به موارد ضروری تمرکز کنیم: چیزی که ضروری است این است که دنبال خدا و اراده او باشیم. این بدان معنا نیست که ما نمی توانیم همه کارهایی را که عیسی فهرست کرده بود انجام بدهیم: مانند خرید، ازدواج، تجارت و غیره. مانند دیگران همه ی آنها را انجام می دهیم. اما در عین حال از خود مان می پرسیم چگونه می توانیم این کارها را به نام خدا و طبق خواست او انجام دهیم. همسایه مان در این مورد اهمیت ویژه ای دارد. افرادی که خدا به ما می فرستد برای اهداف ما اینجا نیستند. نباید آنها را تحقیر، دستکاری یا قضاوت کنیم. نه! خداوند آنها را به عنوان یک مسئولیت در سر راه مان قرار داده. می توانیم از خودمان بپرسیم چگونه می توانیم محبت خدا را به این اشخاص منتقل کنیم. اما عیسی یک قدم فراتر می رود و ملکوت خدا را به شیوه ای کاملاً متفاوت از همه ایده ها ی دیگر توضیح می دهد. زیرا عیسی نه تنها می گوید که پادشاهی خدا در آینده ای دور خواهد آمد، بلکه ملکوت خدا اکنون در میان ماست! عیسی به ما می گوید که ما باید در اینجا و اکنون با خدا حساب کنیم. پادشاهی خدا، طبق تعالیم عیسی، در آینده ی دور نیست. ملکوت خدا حکم زمینی نیست ... و مهمتر از همه رژیم مخالف نیست. همچنین ملکوت خدا مجموعه ای از احکام نیست که ما باید آنها را انجام دهیم تا ثابت کنیم که ما به حزب نیکوکاران متعلق هستیم. نه به همه اینها! بر خلاف همه ی اینها خود عیسی پادشاهی خداست. هر کجا که عیسی باشد، پادشاهی خدا نیز هست! اما عیسی چگونه پیش می آید؟ عیسی به شاگردان خود گفت: «من همیشه با شما هستم، تا پایان جهان!» و سپس حضور خود را به تعمیم پیوند داد و به شاگردانش فرمود: «آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهید!» به همین دلیل است که پادشاهی خدا زمان و قانون انسانی نیست، بلکه هویتی جدید است که خدا به ما می دهد. پولس بعداً آن هویت را با کلمات "در مسیح" توصیف می کند. از طریق تعمیم ما در مسیح هستیم. منظور عیسی همین بود هنگامی که به نیکودیموس فریسی اعلام کرد: "تو باید از آب و روح دوباره متولد شوی!". تولد تازه در زمان ما امکان پذیر است. تولد دوباره در اینجا و اکنون! و این بدان معناست که این ارتباط با عیسی از این پس کل زندگی ما را شکل می دهد. ما ویژگی های عیسی را در بدن خود مان داریم. عیسی بخشی از ماست. و چون عیسی همزمان در آسمان و روی زمین است، ما از یک سو کاملاً بخشی از این زمین هستیم و از سوی دیگر کاملاً به بهشت متعلق هستیم. این ایمان ما را سرشار از شادی و آرامش می کند. حتی وقتی همه چیز به هم ریخته است. و مخصوصاً وقتی بحران پیش می آید دعای خداوند را دعا می کنیم: «پادشاهی تو بیاید!» و لوتر در توضیحات خود گفت: یعنی ما با این دعا، دعا می کنیم که پادشاهی خدا امروز نیز به سراغ مان بیاید. عیسی دید ویژه ای از ملکوت خدا دارد که برای کسی شناخته شده نیست. وقتی اینجا و اکنون غسل تعمید می گیریم یا شام آخر را جشن می گیریم، همزمان به خدا و بهشت متصل می شویم. و با این حال عیسی می گوید که ما فقط پس از آن صلح و آرامش را تجربه خواهیم کرد. بخشی از ملکوت خدا وجود دارد که ما اکنون آن را تجربه می کنیم. و بخشی الان مشخص نیست. حتی در حالی که به طور کامل در مسیح تعمیم یافته ایم، هنوز بیمار می شویم و در نهایت می میریم.

ما همچنین می بینیم که جهان ما هنوز نجات نیافته است. جنگ های بی شماری وجود دارند و گاهی ما نیز از گناهانی رنج می بریم که هنوز به ما و به وجود مان چسبیده اند. همچنین ما به عنوان یک کلیسا بر همه بدی های جهان پیروز نیستیم. در عوض ما نشانه های صلیب را در خود داریم. با فروتنی تمام در برابر جهان ظاهر می شویم. عیسی از ما انتظار دارد که چنین زندگی کنیم. در بدن خود خدا را رو در رو نمی بینیم. زیرا با ایمان زندگی می کنیم، نه با دیدار. حافظ در غزل اول دیوان خود آینده را به زیبایی همین گونه بیان کرده است. او در این شعر که از عشق صحبت می کند، از اسرار خدا تعریف می کند که تشخیص آن دشوار است... مثلاً در بیت اول:

از مسافرت طولانی با شترها مثال می زند و می گوید که یک بار در مکانی با کاروان استراحتی می کرد. اما نباید فراموش کند که آن مکان خانه ماندگاری نیست.

مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم جَرَس فریاد می دارد که بر بندید محیل ها

در اینجا باید بدانیم که گروه های شتر آن زمان همیشه با تعداد زیادی در کاروان سفر می کردند. وقتی شترهای پیشرو شروع به آماده شدن بودند، زنگ آنها شنیده می شد. در آن هنگام فرد می دانست: وقت آماده شدن است! وسایلت را جمع کن! تو در راهت هستی و نباید تمام کاروان را از دست بدهی چون اینجا برای همیشه خانه نیست. منظور حافظ در اینجا این است که با وجود این که ما خانه خود را اینجا روی زمین داریم، آنها خانه موقتی هستند ... اینجا روی این زمین می خوریم، می نوشیم، ازدواج می کنیم... اما خانه ما موقتی است. ما در سفر هستیم! ما برای همیشه اینجا نمی مانیم! صدای زنگ شتر را نمی شنوی؟... به یادت می آورد که در راه هستی. مقصد تو اینجا نیست. تو در راه به سوی خدا هستی

تفسیر عیسی از پادشاهی خدا به ما نشان می دهد که خدا فقط یک ایده نیست. فقط یک رویا نیست. اما وابستگی با او اکنون با وعده خدا از طریق غسل تعمید آغاز می شود. و تمام کارهایی که ما انجام می دهیم مانند عبادت، دعا، ستایش خدا و بسیاری دیگر، زنگ های شتر بهشتی هستند که آینده عیسی را به ما یادآوری می کنند. آمین